



گالری هدیه ماندگار

طلاي ۲۴ عيار

آدرس: عدالت ۸۵

مرکز تجاری تندیس - طبقه اول

پیرمردیان

بازگشت
ملا ل آور است



۲

آبرسانی به ۱۴ روستای مینودشت
با تانکر انجام می شود



۲

اندر حکایت
آشفته بازار ارز ...



۳

گلشن

روزنامه

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

دوشنبه ۲۰ فروردین ماه ۱۴۰۳ / سال بیست و پنجم / شماره ۲۷۵۷ / ۸ صفحه / ۲۵۰۰ تومان

یادداشت اول

شاهرخ مسکوب

■ با مسوولیت سردبیر

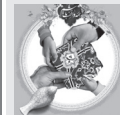
روزهای آخر فروردین ماه یادآور درگذشت شاهنامه پژوه، مترجم و ادیب ایرانی شاهرخ مسکوب در تنگدستی مهاجرت است، انسان فرهیخته و عاشق وطنی که دهها عنوان کار پژوهشی، مقاله و یادداشت درباره ادبیات و شاهنامه نوشته است، ترجمه کتابهای «خوشه‌های خشم» جان اشتاین بک، مجموعه «افسانه تباي» سوفوکلس و تألیف کتابهای «سوک سیواوش»، «داستان ادبیات و سرگذشت اجتماع»، «مقدمه‌ای بر رستم و اسفندیار»، «در کوی دوست»، «گفت و گو در باغ»، «چند گفتار در فرهنگ ایران»، «خواب و خاموشی»، «روزها در راه»، «ارمغان مورا»، «سوک مادر»، «سوک سیواوش در مرگ و رستاخیز»، «مسافرنامه»، «سفر در خواب»، «نقش دیوان، دین و عرفان در نثر فارسی»، «اتن پهلوان و روان خردمند» و «هویت ایرانی و زبان فارسی از آثار اوست. مسکوب همواره عاشق ایران بود و در روز نوشت های غربتش در پاریس به سال ۱۹۸۳ می نویسد: به قدری در هوای ایران به سر می برم که انگار نه انگار این جا زندگی می کنم، پاهایم این جاست ولی دلم آن جاست، زندگی و هوش و حواس من در جای دوری که از آن بریده شده ام می گذرد، در جایی که در آن نیستم، گسسته شده ام و خویشتن را نمی یابم، یا در بخش دیگری از خاطرات بر جا مانده ام، سوگمنانه در دوری از وطن می نویسد: امروز کارت اقامت ده ساله ام را گرفته ام، کارت سبز آمریکا را هم دارم، گذرنامه ایرانی هم که سر جایش محفوظ است، به این ترتیب با کمال خوشوقتی تازه شده ام یک هر جایی بی جا. دنیا برای مسکوب این پژوهشگر شاهنامه و عاشق ادبیات و فرهنگ ایران که در سال ۱۳۰۴ در بابل به دنیا آمده بود، در بیست و سوم فروردین ماه ۱۳۸۴ در غربت به پایان رسید. مهاجرت و گسستن از ریشه کنده شدن است، اتفاقی که برای اهل قلم و نوشتن همواره تلخ و ناهموار بوده است و هر چه درخت ریشه های عمیق تری داشته باشد لاجرم، کنلن آن سخت تر و غرس آن در محلی دیگر ناممکن تر خواهد بود. از این منظر مسکوب هم استثنا نبود. یادش گرامی و خاطره اش ماندگار



پیشنادهای
مهر داد صدقی برای مطالعه
« ۸ »



ویزیت رایگان سه هزار
نماز گزار مناطق کم بر خوردار
« ۲ »



درآمد موقوفات گلستان
۲ برابر شد
« ۳ »

پیش شرط های جهش تولید

■ نیروی انسانی ماهر و مواد اولیه، علاوه بر تکنولوژی از جمله عوامل تحقق جهش تولید هستند



می کند نتیجه مطلوبی حاصل نمی شود. علاوه بر این باید رفتار دولت یا دولت‌ها قابل پیش بینی باشد، تا منجر به اعتمادسازی اجتماعی به سیاست‌های دولت شود. این دکتری اقتصاد اضافه کرد: افزایش اعتماد به سیاست‌های دولت یعنی افزایش سرمایه‌های اجتماعی و کشوری که سرمایه اجتماعی آن رشد کند، در اقتصاد هم جایگاه بهتری دارد که مهمترین عنصر در بحث اعتماد مربوط به سیاست‌های دولت است. وی ادامه داد: قابل پیش بینی بودن سیاست‌های دولت به قدری مهم است که بنگاه‌های اقتصادی بتوانند برنامه ریزی بلندمدتی داشته باشند، نااطمینانی‌ها کاهش یابد، مؤلفه تاثیرگذار دیگر، کاهش کسری بودجه است، برخی از اقدامات کلیدی مذکور اگر انجام بگیرد، می تواند زمینه تحقق شعار سال را فراهم کند.

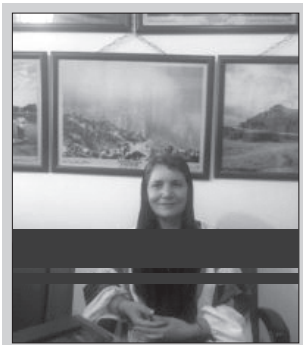
ارزی مناسب تولید داخل را با مشکل مواجه می کند. حق شناس در خصوص دیگر عوامل مؤثر بر تحقق جهش تولید گفت: عامل دیگر این است که ملاخه قیمت‌گذاری توسط دولت انجام نگیرد، زیرا وقتی دولت در قیمت گذاری‌ها ورود

بیان کرد: تحقق شعار سال الزاماتی دارد که این الزامات نیازمند یکسری تصمیمات سخت است نظیر یکسان سازی نرخ ارز، عدم یکسان سازی نرخ ارز هم رانت ایجاد می کند و هم تولید داخل را تحت الشعاع قرار می دهد، لذا نبود سیاست

پژوهشگر حوزه اقتصادی با برشمردن عوامل مؤثر بر تحقق جهش تولید گفت: نیروی انسانی ماهر و مواد اولیه، علاوه بر تکنولوژی از جمله عوامل تحقق جهش تولید هستند. هادی حق شناس در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به نام گذاری سال ۱۴۰۳ با عنوان «جهش تولید با مشارکت مردم»، اظهار کرد: تولید، لازمه تحقق شعار سال است؛ در راستای تولید اما تکنولوژی کمک می کند چطور به تولید انبوه برسیم؛ نیروی انسانی ماهر و مواد اولیه علاوه بر تکنولوژی از جمله عوامل تحقق جهش تولید هستند. این پژوهشگر حوزه اقتصادی افزود: در نیمه اول سال گذشته بر اساس آمارها خروج سرمایه بیشتر از جذب سرمایه خارجی بوده و به عبارتی در ورود سرمایه خارجی که از الزامات تولید است، توفیق چشمگیری نداشتیم. وی

گفت و گو با احمد پناه نویسنده گلستانی:

بازگشت ملال آور است



حیاط باصفای کافه که مدیرش یک خانم انگلیسی میان سال بود. چای و قهوه و شیر و بیسکویت و فراوان گریه که از پریدن روی میز مشتری‌ها ابایی نداشتند و دو تا سگ و یکی شان نابینا و پیر که صاحب کافه خیلی مراقبش بود و دوستش داشت. از همان جا داستاتم آغاز شده بود. نقش کافه‌چی هم به زودی تمام خواهد شد و داستان بعلی به نگارش در خواهد آمد. منتظر باشید.

کدام یک از کتابهایتان را بیشتر دوست دارید؟ هیچ وقت نمی‌توانم از فرزندم بگویم بی آن که چشم‌هایم اشکی شود. می‌دانید در زیست‌شناسی برای هر خط تولید، همکاری بین چند نوع آنزیم مختلف لازم است، یکی آغازگر و یکی ادامه‌دهنده و ... است. من آغازگر بسیار خوب و پراترزی‌ای هستم اما به محض پیاده کردن ایده‌ای که ذهنم را آشفته کرده، چه روی کاغذ یا در اجرا خسته و خالی می‌شوم. فکر می‌کنم همیشه یک تمام کننده یا نون پایان کم داشته‌ام برای رسیدن به همان موفقیت معروف در حالی که خودم از رهایی از یک ایده راضی و شادمان می‌شوم و پرونده‌ی آن‌را می‌بندم. گفتن از کتاب‌هایم مثل برگشتن به عقب است و من به همین الان و به آینده علاقه دارم و تمایلی به پس رفتن و زبرور کردن رنج‌های گذشته ندارم. با هر کار جدید زندگی متفاوتی را تجربه می‌کنم و یک گام جلو می‌روم و بازگشت یک گام به عقب ملال‌آور است. اما در جواب سوال تان بله، سال ۸۳ اولین رمانم را چاپ کردم، «سوسه‌های پاییزی» و بعد دو مستند. «آخرین آسیابان شوشتر» که بازنویسی خاطرات پدرم از سازه‌های آبی تاریخی جهانی شوشتر بود، از رمان‌هایم معروف‌تر شد. آخرین رمانم «یک ریان سرخ برای شاهزاده ونوس» در سال ۱۴۰۰ چاپ شد و اما پرخاطره‌ترین رمانم را در کارگاه احمد دهقان به نام معمای عشق ساعتی نوشتم. احمد دهقان فصل به فصل و خط به خط همراهم بود و کمک کرد از تنگنای جهان سخت و پر از ابهام خانم دکتر رمانم، جان سالم در ببرم و بخشی از زندگی‌ام را مدیون ایشان هستم. امیدوارم هر جا که هستند سلامت و شاد باشند و روزی در کافه آن‌ها غافلگیرم کنند. خوانندگان اهل مطالعه تان را هم به یک اسپرسو مخصوص در آن‌ها دعوت می‌کنم.



لیلا حسین زاده - ناهید احمدپناه معلم و نویسنده گلستانی نزدیک به یک سال است که انزوا و دکمه‌های کی‌بورد را رها و کافه آن‌هایت را در بندرگز راه اندازی کرده است، به این منظور گفت و گویی را با ایشان انجام داده ایم که می‌خوانید.

آیا از کافه بهره‌ای هم برای داستان می‌توان برد؟ وقتی آدم‌ها دوست ندارند کتاب بخوانند، اضرائی بر ماندن در گذشته ندارم، من هم شخصیت‌های داستانم را در کافه و هر لحظه و در دسترس و آسان به نمایش می‌گذارم. زندگی ساده‌تر از این حرف‌هاست که بخوایم برای رسیدن به موفقیت‌های اجتماعی، با سماجت سر یک شغل و حرفه هدرش بدهی. اصلا چرا از بچه این سوال بی‌معنی را می‌پرسند که دوست دارد بزرگ شد چکاره شود. چرا نمی‌پرسند دوست داری وقتی بزرگ‌تر شدی دست به چه کارها و تجربه‌هایی بزنی.

شما قبلا سفرنامه‌ای هم منتشر کردید. خواستم بپرسم آیا سفر هم تاثیر بر کافه داری شما گذاشته است؟ سفر هم برای راه‌اندازی یک کافه‌ی دنج بی‌تاثیر نبوده. یکی از رویایی‌ترین سفرهای زندگی‌ام سفر با دخترم به قبرس شمالی بود دوازده سال پیش سفر به قبرس شمالی را برای نویسنده‌ها و اهل هنر پیشنهاد می‌کنم. در یک روستای کوهستانی که روی تمام دیوارهای سنگی گل و گیاه زنده بود، گذرمان افتاد به یک کافه که در راه‌پله‌هایش یک گریه‌ی خپل به نام تایگر نشسته بود. استقبال و همراهی مان کرد تا

دادن به انزوای دلهره‌آوری است. همین الان که به لطف سوال‌های گلشن مهر دارم با نوک انگشت اشاره روی کی‌بورد گوشی می‌زنم، تمام وجودم سرریز از شور و عشق است و ممنونم از گلشن مهر عزیز. اما دنیا هر سال که نه و نه هر روز که هر لحظه شتابان می‌تازد و به گمانم با نشستن پای نگارش یک رمان چند صد صفحه‌ای از قافله جا خواهی ماند.

باید تفاوت زیادی بین کلاس درس و کافه باشد، نیست؟ چندان تفاوتی ندارد که سر کلاس درس یا در قالب رمان خودت را منتشر کنی یا به عنوان یک کافه‌چی برای یک رانده‌ی خسته قهوه سرو کنی. همه‌ی این‌ها یک نتیجه دارد، اشاعه‌ی خودت. بنا به اقتضای زمانه می‌توان در هر قالبی با دنیای بیرون تعامل داشت. یک زمانی کارتونی می‌دیدم به نام بارابارا، نمی‌دانم شما هم دیده بودید یا نه. یک جور خمیربازی بودند که در هر لحظه به شکلی در می‌آمدند و از مهلکه در می‌رفتند. همیشه این اسم و شکل‌شان پس ذهنم هست و یک هم‌حسی که مثل بارابارا به فرم‌های متفاوت و با همان هویت و اصالت به کار خودم که یاد گرفتن و یاد دادن است، ادامه می‌دهم.

خانم احمد پناه از نویسندگی تا کافه‌داری و بارستا‌ی چقدر راه است؟ کافه‌داری بعد از چندین حرفه، شاید آخرین شغلم باشد، شاید هم نه! با شناختی که از خودم دارم احتمالا نه. تدریس زیست‌شناسی شغل اصلی و درازمدتم بوده، قبل از آن سه سال کارشناس آزمایشگاه دامپزشکی بودم. فعالیت‌های اجتماعی، محیط زیستی و ادبی هم همیشه بوده. هم معلمی و هم میل به داستان شاید انگیزه‌ای برای کافه‌دار شدن بود، دقیقا نمی‌دانم. یا شاید میل شدیدم به چای و دوره‌می‌های چای نوشیدن بود و عشق به قهوه و بوی قهوه، کنار کتاب و مطالعه و نگارش الان فکر می‌کنم که همه‌ی این‌ها به هم ربط دارد. حدود شش یا هفت سال گذشته را به نگارش کتاب گذراندم و هر صبح به عشق نوشیدن یک فنجان قهوه می‌نشستم پای لپ‌تاپ و ساعت‌ها بی‌وقفه تایپ می‌کردم تا موعد تهیه و سرو و نوشیدن قهوه‌سربرسد.

آیا این روزها همچنان امکان نوشتن برایتان فراهم است؟ این روزها کمتر می‌خوانم و کمتر، خیلی کمتر، می‌نویسم. تصور این که دو سال تمام از دنیا ببری و کنج اتاق تق و تق و تق روی کلبه‌ها انگشت بکوبی تن

آبرسانی به ۱۴ روستای مینودشت با تانکر انجام می‌شود



مدیر امور آب و فاضلاب مینودشت گفت: با وجود فاصله چند ماهه با فصل گرما، کمبود آب آشامیدنی از هم‌اکنون ساکنان برخی روستاهای شهرستان را دچار مشکل کرده و به اهالی ۱۱ روستای بخش مرکزی و سه روستای بخش کوهسارات با تانکر آبرسانی شود. به گزارش روابط عمومی، ابوالقاسم صابری اظهار کرد: انتقال آب مورد نیاز ساکنان این ۱۴ روستا با یک تانکر، بسیار سخت است که خدمت‌رسانی بهتر به در این روستاها به حداقل یک تانکر دیگر نیاز دارد. وی افزود: شهرستان مینودشت در مجموع ۱۳۶ لیتر بر ثانیه کمبود منابع آبی دارد که ۴۵ لیتر آن مربوط به شهر مینودشت، ۱۰ لیتر مربوط به شهر دوزین و ۷۱ لیتر هم مربوط به مناطق روستایی است. مدیر امور آب و فاضلاب مینودشت ادامه داد: نیاز آبی ساکنان شهرستان مینودشت ۲۸۵ لیتر بر ثانیه است که ۲۵۹ لیتر بر ثانیه آن توسط ۲۵ حلقه چاه آب و چندین دهنه چشمه تامین می‌شود. صابری ادامه داد: جبران کامل مشکل کمبود آب آشامیدنی شهر مینودشت به حفر چهار حلقه چاه نیاز دارد. وی به تلاش دولت برای مشکل کم آبی مینودشت اشاره کرد و گفت: در ۲ سال گذشته ۲۸۸ میلیارد میلیون ریال اعتبار منابع ملی، استانی و شهرستانی برای آبرسانی این شهرستان اختصاص یافت که صرف بهسازی شبکه شهر دوزین و شهرک شهید فخری زاده، آبرسانی به روستای صفی آباد و احداث مخزن در روستای محمداباد شد.

»»

۱۰۰ پروژه آموزشی تحویل دانش آموزان شد

مدیرکل توسعه و تجهیز و نوسازی مدارس گلستان گفت: در دولت سیزدهم ۱۰۰ پروژه آموزشی تحویل دانش آموزان گلستان شد. به گزارش روابط عمومی، وحید فراهی اظهار کرد: با مشارکت خیرین و گروه‌های مردمی موفق شدیم در دو سال و نیم دولت سیزدهم بیش از ۱۰۰ پروژه آموزشی تحویل دانش آموزان گلستان دهیم. وی با اشاره به اینکه طی سال گذشته ۵۰ پروژه آموزشی در گلستان به بهره برداری رسید، افزود: به طور متوسط هفته ای یک مدرسه در استان گلستان ساخته و تحویل دانش آموزان شد. مدیرکل توسعه و تجهیز و نوسازی مدارس استان گلستان گفت: از ۵۰ پروژه آموزشی که تحویل داده شد ۴۹ پروژه با مشارکت خیرین و گروه‌های مردمی انجام شد. وی با اشاره به اینکه در دو سال و نیم گذشته بیش از ۳۳۰ میلیارد تومان کمک توسط خیرین در استان جمع آوری شد، افزود: پیش بینی می‌شود در سال ۱۴۰۳ سقف این کمک‌ها را به بیش از ۲۰۰ میلیارد تومان برسانیم تا بتوانیم بخشی از مشکلات فضاهای آموزشی را برطرف کنیم.

عباس معروفی مانند دیگر آثارش، در کتاب سال بلوا شیوه روایی جریان سیال ذهن، آمیختگی واقعیت و خیال، تغییر زاویه دید و ... را به کار گرفته است.

«دکتر نون زنش را بیشتر از مصدق دوست دارد» اثر شهرام رحیمیان رمان با تلفیق واقعیت‌های تاریخی و شخصیت‌های خیالی، حوادث و رویدادهای مهم تاریخی را از منظر و زاویه دیگری پیش روی ما می‌گذارد. نویسنده با استفاده از سبک جریان سیال ذهن علاوه بر حوادث ظاهری، تأثیرات روانی و درونی این حوادث و پیروزی‌ها و شکست‌ها را نیز بر جسته می‌کند. همچنین نویسنده زمان را به هم می‌ریزد و زاویه دید را عوض می‌کند تا حالت ذهنی و سرگشتگی دکتر نون را ملموس‌تر کرده تا در نهایت رمانی یکپارچه، جذاب و پرکشش خلق کند.

«ناطوردشت» اثر جی دی سالیانچر

رمان ناطوردشت درباره نوجوانی به نام هولدن کالفیلد است که نخستین بار در سال ۱۹۵۱ میلادی به چاپ رسید. ناطوردشت، در تمامی لیست‌های برترین آثار ادبی دنیا جایی همیشگی داشته و از تأثیرگذارترین آثار نوشته‌شده در قرن بیستم است. این اثر، به خاطر بیان بی‌پرده و صریح تمامی افکار یک نوجوان، بارها باعث به وجود آمدن جنجال‌های مختلفی در طول زمان شد و در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، هر پسر نوجوانی بی‌صبرانه دوست داشت که این کتاب را بخواند.

«شما که غربیه نیستید» اثر هوشنگ مرادی کرمانی

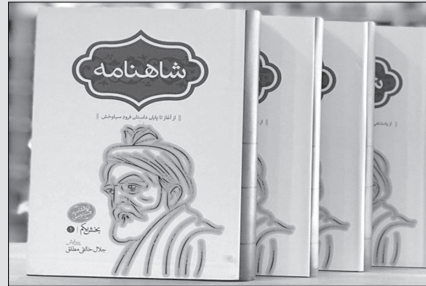
روایتی داستانی از زندگی نامه خود هوشنگ مرادی کرمانی است. این روایت از عید نوروزی شروع می‌شود که هوشو (هوشنگ کوچولو) ۴ یا ۵ سال دارد و در خانه پدری‌اش همراه پدر بزرگ و مادر بزرگش در روستای سیرچ بدون مادر زندگی می‌کند. با خواندن این کتاب، با روایتی بسیار صادقانه و خالص همراه می‌شوید و نیز رنج می‌برید و همه ویژگی‌های سایر کتاب‌های داستان مرادی کرمانی را در آن مشاهده کرد. نثر روان و ساده، روایت صادقانه، استفاده از فرهنگ فولکلور، در این اثر به چشم می‌خورد و به عبارتی خاطرات کودکی که گاه شیطنت و بازیگوشی‌اش خواننده را به خنده وامی‌دارد و گاهی هم مظلومیت و تنهایی‌اش، چشم‌های مخاطب را خیس اشک می‌کند.



«سه گانه» اثر یوسف علیخانی

کتاب سه‌گانه دربردارنده سه مجموعه داستان است که تمامی داستان‌های آن در روستایی به نام میلک می‌گذرد. نخستین مجموعه داستان «قدم بخیز مادر بزرگ من بود» نام دارد و شامل ۱۲ داستان کوتاه است (برنده جایزه ویژه شانزدهمین جشنواره روستا)؛ دومین آن «اژدها کشان» نام دارد و شامل ۱۵ داستان کوتاه است (نامزد جایزه هوشنگ گلشیری و شایسته تقدیر در نخستین جایزه ادبی جلال آل احمد) و سومین آن «عروس بید» در بردارنده ۱۰ داستان کوتاه است. به گزارش ایبنا، مهرداد صدقی متولد سال ۱۳۵۶ در بجنورد، دانش‌آموخته دکترای صنایع چوب و کاغذ و عضو هیئت‌علمی رسمی دانشگاه گنبدکاووس و ساکن گرگان است. از این نویسنده نام‌آشنا تاکنون چهارده کتاب با عناوینی چون نقطه ته خط، مغز نوشته‌های یک جنین، رقص با گریه‌ها، میرزا روبات، مغز نوشته‌های یک نوزاد، تعلیمات غیراجتماعی، آخرین نشان مردی، دومین نشان مردی، دژاوو، سال سیل و مجموعه آب‌نباتی (هل دار، پسته‌ای، نارگیلی و دارچینی) روانه بازار نشر شده است و کتاب‌های لعبتکان، شب‌های مافیا و آب‌نبات لیمویی را زیر چاپ دارد. از افتخارات مهرداد صدقی در کنار کسب جوایز متعدد و داوری و حضور در محافل و رسانه و فعالیت‌های مختلف فرهنگی، هنری و ادبی نیز می‌توان به انتخاب به‌عنوان چهره سال طنز توسط حوزه هنری، دریافت نشان هدهد سفید توسط نهاد کتابخانه‌های کشور، تقدیر شده در روز هنر انقلاب، کتاب سال جشنواره غنی پور در بخش انقلاب اسلامی، انتخاب به‌عنوان شهروند نمونه اشاره کرد.

حسن حسینی نژاد - مهرداد صدقی، نویسنده و مدرس دانشگاه و مؤلف مجموعه داستان‌های پرمخاطب و شیرین آب‌نباتی در گفت‌وگو با خبرنگاری کتاب ایران (ایبنا) در گرگان، با تأکید به مطالعه حماسه سترگ شاهنامه بدون اولویت، فهرست پیشنهادی خود را برای مطالعه دوستداران مطالعه اعلام کرد.



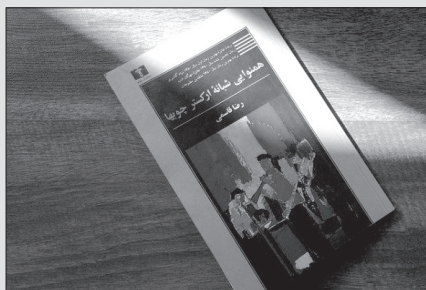
شاهنامه اثر جاویدان حکیم ابوالقاسم فردوسی

خواندن متن شاهنامه را با تصحیح ادیب و شاهنامه پژوه کشورمان جلال خالقی مطلق و یا شنیدن پادکست فردوسی خوانی توسط امیر خادم را به عموم مردم خصوصاً نسل جوان در ایام نوروز پیشنهاد می‌کنم. شاهنامه فردوسی اثری جذاب و از گنجینه‌های ارزشمند زبان و ادبیات فارسی است که دریایی از داستان‌های گیرا و شگفت‌انگیز را پیش روی خواننده می‌گذارد.



«داستان کوتاه در ایران» اثر حسین پاینده

کتاب «داستان کوتاه در ایران» اثری است که تاکنون سه جلد از آن به قلم دکتر حسین پاینده روانه بازار نشر شده و داستان‌های رئالیستی و ناتورالیستی، داستان‌های مدرن و پسامدرن محور این مجموعه است. مؤلف در این اثر تلاش کرده تا شناختی مفید و قابل استناد از سبک و تکنیک، جریان و مضمون و شیوه‌های مختلف نگارش «داستان کوتاه در ایران» را به خواننده ارائه کند.



«هم‌نوایی شبانه ارکستر چوب‌ها» اثر رضا قاسمی

«هم‌نوایی شبانه ارکستر چوب‌ها» رمانی تحسین‌شده و برگزیده جایزه ادبی گلشیری و مهرگان است که می‌توان از آن به‌عنوان یک اثر شاخص در ادبیات ایران درباره مهاجرت و مسئله چند هویتی فرهنگی یاد کرد. همچنین از نظر ادبی و فرمی این رمان از جمله رمان‌های فارسی است که با روایت اول‌شخص و تکنیک جریان سیال ذهن نوشته شده و در آن شخصیت‌های متعددی را شاهد هستیم.

«سال بلوا» اثر عباس معروفی

سال بلوا، داستان زندگی دختری به نام نوش‌آفرین است و نویسنده آن را در سال‌های پیش و پس از جنگ جهانی دوم در شهر سنگسر روایت می‌کند.

پیشنادهای مهرداد صدقی برای مطالعه

